

حاشیه‌نشینی و نقش آن در بروز و گسترش مواد مخدر و اعتیاد (مطالعه موردی: شهر اردبیل)

یوسف درویشی، گروه علمی جغرافیا دانشگاه پیام نور تهران- ایران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۰۴/۱۶

چکیده

رشد شتابان شهرنشینی و افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها، مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی را پدید آورد و به تناسب، موجب گسترش ناپه‌نجاری‌هایی در شهرها شد، لذا شناخت نقش حاشیه‌نشینی در بروز انواع آسیب‌های اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چرا که امروزه در کشورهای جهان سوم یکی از معضلات شهرنشینی، حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن است. گسترش حاشیه‌نشینی در شهر اردبیل و اسکان جمعیت غیر شهری در آن، به افزایش ناهنجاری‌های رفتاری در این بخش از شهر انجامیده است. لذا در این مقاله پژوهشی تلاش شده است، نقش مواد مخدر و اعتیاد در بخش حاشیه‌نشین شهر مشخص شود. روش پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی محسوب می‌شود که اطلاعات آن از استنتاج منابع به‌دست آمده است. نمونه‌گیری به روش تصادفی انجام گرفت و از بین مناطق حاشیه‌نشین اردبیل، محله میراشرف برای نمونه انتخاب شد. برای برآورد حجم نمونه به‌منظور توزیع پرسشنامه نیز، از روش کوکران بهره‌جویی شده است، لذا از میان ۱۸۹۶ خانوار براساس این روش، ۹۰ خانوار برای حجم نمونه انتخاب شد و پرسشنامه مد نظر به‌طور تصادفی بین خانوار توزیع شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از طریق پرسشنامه و اخذ آمارهای رسمی از سازمان‌های مربوطه، به‌کمک نرم‌افزارهای SPSS و GIS تجزیه و تحلیل شدند. همچنین برای ترسیم نقشه، نرم‌افزار GIS به‌کار گرفته شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که رشد شتابان شهری در اردبیل و گسترش حاشیه‌نشینی، سبب افزایش آسیب‌های ناپه‌نجار اجتماعی، از جمله مواد مخدر در شهر اردبیل، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشینی (اسکان غیر رسمی) شده است.

کلیدواژه: آسیب‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی، رشد شهری، مواد مخدر، مهاجرت.

مقدمه

شهرنشینی یکی از مهم‌ترین پدیده‌های عصر حاضر شمرده می‌شود. در ایران تحول شهرنشینی بسیار پرشتاب انجام گرفت و الگوی توسعه شهری آن، از الگوی تسلط تک‌شهری و تمرکزگرایانه پیروی کرده است. در چند دهه اخیر، ایران بوم‌های^۱ گوناگونی چون، بوم نفت، بوم شهرنشینی و بوم زایش‌های جمعیت (انفجار جمعیت) را پشت سر گذاشته است. در چنین وضعیتی، شهرنشینی با پیامدهای ناگوار بسیاری چون، توزیع بی‌عدالتی، رشد حاشیه‌نشینی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و ناهمگونی فزاینده اجتماعی همراه خواهد بود.

رشد بی‌رویه شهرها که در سال‌های اخیر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه ظهور یافته، مشکلاتی را از جنبه‌های گوناگون هم در سطح ملی و منطقه‌ای و هم در سطح محلی به‌وجود آورده است. این روند موجب شده دولت‌ها با چالش‌های فراوان شهری روبه‌رو شوند. بعضی از این چالش‌ها مربوط به بافت ناهنجار و لجام‌گسیخته کالبدی (حاشیه‌نشینی) است و برخی به شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی ناشی از این پدیده شهری مربوط می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر قصد دارد به حاشیه‌نشینی و نقش آن در بروز آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه مواد مخدر بپردازد.

با معرفی اردبیل به مرکز استان، بی‌آنکه زیرساخت‌های لازم و مدیریت سیستم شهر و روستا فراهم شود، هجوم مهاجران به این شهر آغاز شد و از آنجا که شهر امکانات لازم را برای تازه‌واردان جویای درآمد نداشت، پدیده ناهنجاری کالبدی در شهر که با نام حاشیه‌نشینی از آن یاد می‌شود، پدیدار شد و با توجه به روند رو به رشد این پدیده، انواع آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه مواد مخدر در این مناطق گسترش یافت.

مبانی نظری

از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، مفاهیم اکولوژی کانون توجه دانشمندان شاخه‌های مختلف علوم قرار گرفت و به‌سرعت روی مطالعات شهری نیز تأثیر گذاشت. بین سال‌های ۱۹۲۵-۱۸۹۰، پاتریک گدز بیش از همه در مفاهیم اکولوژی شهری کار کرد. در این دوره، نظریه‌های مربوط به هماهنگی و وابستگی بین شهر و ناحیه، شهر و محیط و استفاده از زمینه‌های شهری، کانون توجه قرار گرفت. عقاید پاتریک گدز، در زمینه لزوم هماهنگی زندگی اجتماعی شهرها به‌سرعت نظر طراحان شهری را جلب کرد و جنبه‌های مختلف اکولوژی شهری بیش از پیش ارجح و اعتبار یافت. مطالعات پاتریک گدز با تلاش محققان مشهور این رشته، از جمله مارک جفرسن، پاتریک ابرکرومی و لوئیز مامفرد ادامه یافت و مسیرهای تازه‌ای در مطالعات شهری و اکولوژی شهری مطرح شد.

دیدگاه جغرافیایی اجتماعی شهرها، بر شناخت مؤلفه‌های جغرافیایی شهر در آسیب‌شناسی اجتماعی آنها تأکید می‌کند؛ یعنی به آسیب‌شناسی اجتماعی شهرها از دریچه آسیب‌شناسی سازمان‌یابی فضای شهری توجه می‌شود.

بررسی میزان آسیب‌های شهری، از مباحث اصلی و مهم اکولوژی اجتماعی شهری است. میزان آسیب‌های شهری با توسعه شهری ارتباط نزدیک دارد؛ به طوری که همگام با افزایش جمعیت شهری، میزان آسیب نیز بالا می‌رود. در اکولوژی شهری به هنگام مطالعه انواع جرایم، به دو نظریه بیش از همه توجه می‌شود (شکوهی، ۱۳۷۵):

الف) نظریه تأکید بر مکان ویژه یا بخش مرکزی شهری که در آن میزان جرایم بیش از سایر مناطق شهری است و با دور شدن از بخش مرکزی شهر، از میزان جرایم کاسته می‌شود؛ اگرچه در برخی موارد انتقادهایی به آن وارد است؛ چرا که میزان جرایم در حومه‌های برخی از کشورها، برابر میزان جرایم در مرکز شهر گزارش می‌شود (شکوهی، ۱۳۷۵).

ب) نظریه محیط مساعد که در جست‌وجوی ارتباط میان محیط مساعد برای ارتکاب به انواع جرایم است. در این نظریه همه شرایط محیطی در رابطه با انواع جرایم بررسی می‌شود.

در سال‌های اخیر سه نظریه اکولوژیکی در زمینه آسیب‌شناسی شهری بیش از همه طرفدار داشته است که عبارتند از:

۱. یافتن رابطه میان انواع جرایم و هفت عامل اجتماعی که عبارتند از: تحصیلات، اجاره خانه، درصد تراکم جمعیت، اقلیت‌های قومی در شهرها، غیر استاندارد بودن عوامل محیط زندگی، تعداد متولدشدگان خارجی، مالکیت خانه.

۲. تجزیه و تحلیل اکولوژیکی از محیط فقر که امروزه طرفداران بیشتری دارد. در این نظریه مطالعات آماری، شاخص مناطق ناسالم شهری در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله خانه‌های ناسالم، بیکاری و فقر که در رابطه با میزان رشد جرایم مطالعه می‌شود (جیم مور، ۱۹۹۹).

۳. نظریه طبقه‌بندی واحدهای مسکونی که بر اساس این دیدگاه، میزان جرایم اجاره‌نشینان بیشتر از مالکان واحدهای مسکونی است و تفاوت‌های اجتماعی اقتصادی میان طبقات مختلف در جامعه شهری را بیان می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۰).

نگرش مکتب اکولوژی شهری به این صورت است که مکان موزون، انسان را به رفتار موزون وامی‌دارد و مکان ناموزون، متراکم و آشفته، انسان را وادار به رفتار ناهنجار خواهد کرد. این دیدگاه با دو مدل نظری به تبیین آسیب‌های شهری می‌پردازد:

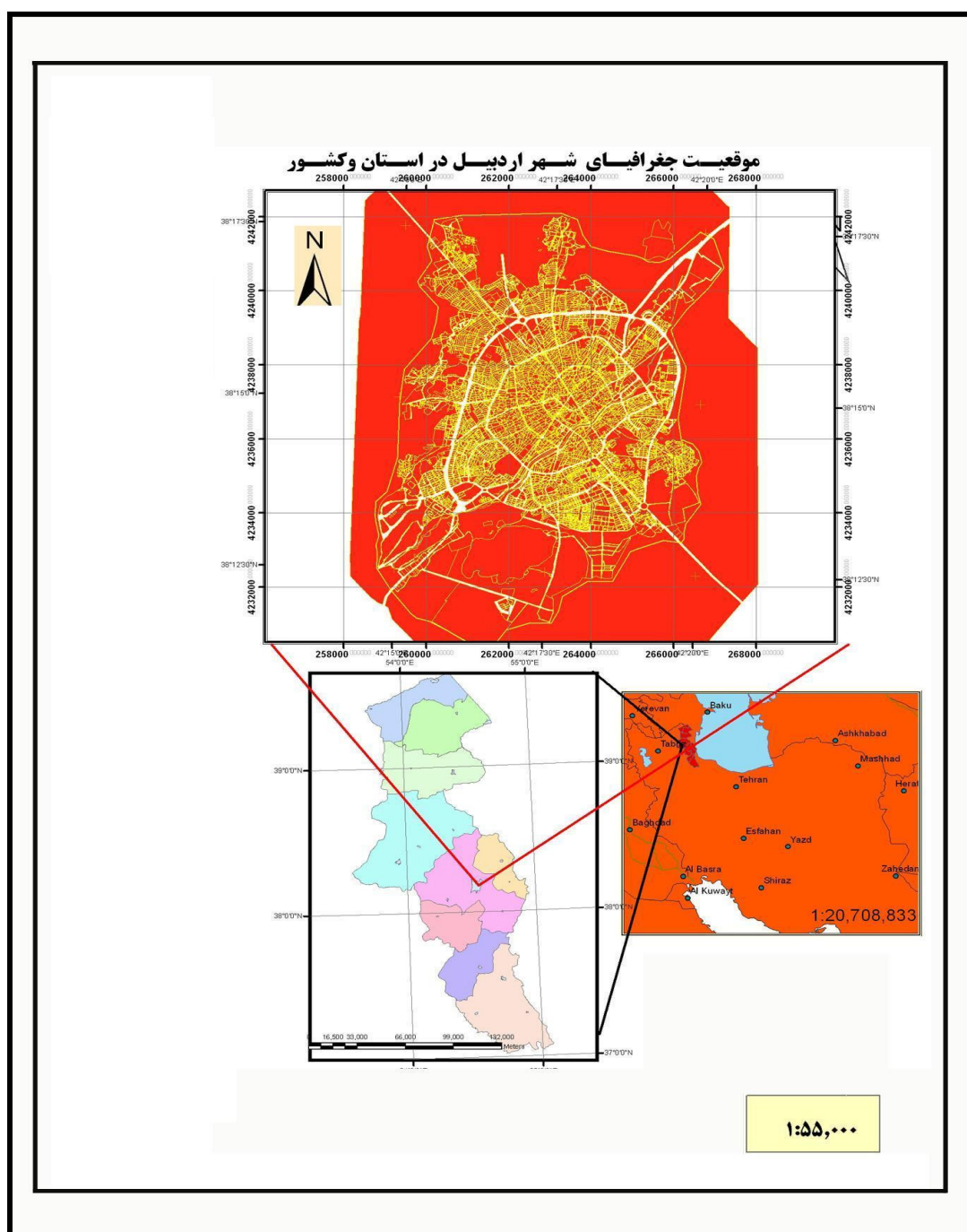
۱. مدلی که مناطق مرکزی شهرها را خاستگاه جرایم شهری می‌داند و با الگوی شهرنشینانی کشورهای غربی هماهنگ است.

۲. مدلی که آسیب‌های شهری را در نواحی حاشیه‌ای شهرها جست‌وجو می‌کند و با جغرافیای جرایم شهری کشورهای در حال توسعه منطبق است.

به‌طور کلی مبانی نظری این مقاله بر این اساس است که چون در مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل برنامه‌ریزی صحیحی وجود ندارد و از شرایط جغرافیایی اجتماعی مطلوبی برخوردار نیست، افراد این مناطق با گذر زمان به سوی آسیب‌های اجتماعی، از جمله مواد مخدر و اعتیاد گرایش می‌یابند.

محدوده مورد مطالعه

شهر اردبیل در شمال شرقی آذربایجان، در موقعیت ۳۸ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه طول جغرافیای واقع شده است. فاصله آن تا مرز جمهوری آذربایجان، حدود ۲۰ کیلومتر است. از لحاظ موقعیت نسبی، این شهر در فلات دایره‌ای شکلی در جنوب غربی دریای خزر، بین دو کوه سبلان و باغرو قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا به ۱۲۶۳ متر می‌رسد.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی شهر اردبیل

روش پژوهش

معمولاً روش پژوهش بر اساس موضوع پژوهش انتخاب می‌شود. از آنجایی که این مطالعه به دنبال بررسی انواع آسیب‌های اجتماعی در حاشیه شهر اردبیل است، از روش پژوهش توصیفی – تحلیلی و پیمایشی بهره می‌برد که به صورت پژوهش میدانی و استنتاج از منابع و اطلاعات است. به دلیل وسعت زیاد حاشیه‌نشینی در شهر اردبیل و محدودیت زمان، مطالعه تمام جامعه آماری امکان‌پذیر نبود، لذا برای کوچک کردن جامعه و اجرای پژوهش، از بین روش‌های نمونه‌گیری، روش نمونه‌گیری تصادفی^۱ انتخاب شد. در نتیجه از میان مناطق حاشیه‌نشین، محله میر اشرف برای نمونه انتخاب شد. برای برآورد حجم نمونه به منظور توزیع پرسشنامه، از روش^۲ کوکران استفاده شد. بدین ترتیب از بین ۱۸۹۶ خانوار محله میر اشرف، پرسشنامه به طور تصادفی بین ۹۰ خانوار محله (حجم نمونه) توزیع شد.

هر پدیده از نظر کمی و کیفی ویژگی‌هایی دارد که آگاهی در مورد این ویژگی‌ها به ماهیت و نحوه دستیابی به آنها وابسته است. این پدیده‌ها به منزله متغیر، در طول زمان دچار دگرگونی و تحول می‌شوند. هدف هر پژوهش، اعم از توصیفی و تبیینی دستیابی به اطلاعاتی در مورد این متغیرهاست.

روش گردآوری اطلاعات برای این کار پژوهشی بدین شرح بوده است: ۱. مطالعات اسنادی؛ ۲. برداشت‌های میدانی؛

۳. استفاده از پرسشنامه و مصاحبه؛ ۴. تجزیه و تحلیل با نرم‌افزار SPSS و ۵. تهیه نقشه حاشیه‌نشین با نرم‌افزار

ARG GIS.

یافته‌های پژوهش

حاشیه‌نشینی در شهر اردبیل

بررسی و مطالعه روند شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی شهر اردبیل که به مناطق سیزده‌گانه نیز مشهور است، نشان می‌دهد که اکثر این مناطق در محدوده زمانی مشخصی شکل گرفته‌اند. در واقع شکل‌گیری هسته اولیه محله‌های حاشیه‌نشین در ارتباط مستقیم با توسعه شهرنشینی در دوره پس از اصلاحات اراضی و هجوم روستاییان بدون زمین به شهرهای بزرگ و میانی کشور، در اوایل دهه پنجاه است، ولی تشدید آن به دهه هفتاد، همزمان با تبدیل شهر اردبیل به مرکزیت استان بازمی‌گردد. نحوه پراکندگی جغرافیای محلات و مناطق حاشیه‌نشین به شرح زیر است:

- محلات دانش‌آباد، حسین‌آباد، کوی وحدت، پناه‌آباد، سیدآباد و مهرآباد، مهم‌ترین محدوده‌های واقع در قسمت شمالی شهر هستند که به فاصله کمی از هم، در ضلع شرقی جاده فعلی مشکین با ۲۵۰۰ خانوار، ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت و ۱۱۰ هکتار سکونت دارند.

- محلات، سلمان‌آباد، درویش‌آباد، آرازعلی، کاظم‌آباد، اسلام‌آباد، میراشرف، ایران‌آباد، یحیی‌آباد و رسول‌اکرم، مهم‌ترین این سکونتگاه‌ها هستند که در قسمت شمال غربی شهر، در دو طرف شرق و غرب جاده مشکین‌شهر با ۶۲۰۰ خانوار و ۳۵۰۰۰ نفر جمعیت در مکانی به وسعت ۲۴۰ هکتار استقرار یافته‌اند.
- محلات گل‌مغان، بهشت‌زهرا و ملاباشی نیز جزء محدوده‌های حاشیه‌نشین شهر اردبیل به‌شمار می‌روند که در قسمت غربی و جنوب غربی شهر واقع شده‌اند.

شهر اردبیل به شکل گسترده‌ای با معضل حاشیه‌نشینی مواجه است. مناطق حاشیه‌نشین همچنان گسترش می‌یابد و جغرافیای فیزیکی شهر را به شدت ناهمگون ساخته است. هم‌اکنون ۱۲۰ هزار نفر از جمعیت شهر اردبیل در مناطق حاشیه‌نشین سکونت دارند که اغلب آنها مهاجرند و ۶۵ درصد از مهاجران افرادی هستند که از روستاهای اطراف استان به این منطقه کوچ کرده‌اند.

محلات شمالی و شمال غربی شهر اردبیل از امکانات ورزشی محروم‌اند. سرانه موجود ورزشی ۰/۶۱ متر مربع است که با توجه به سرانه استاندارد، شهر اردبیل دست کم به ۸۱/۶ هکتار زمین برای کاربری ورزشی نیاز دارد و در حال حاضر با کمبود ۵۶/۶ هکتار روبه‌روست. این عامل به‌تنهایی می‌تواند در بروز انواع آسیب‌های اجتماعی در این مناطق تأثیر بسزایی داشته باشد.

بعد خانوار در مناطق حاشیه‌نشین شمال و شمال غربی در وضعیت بحرانی (۶ نفر در هر خانوار) قرار دارد. ساکنان این مناطق سطح درآمد پایینی دارند و از لحاظ وضعیت بیکاری در مقام نخست جای گرفته‌اند. تراکم جمعیت در شهر اردبیل در مناطق شمالی شهر، از جمله حاشیه‌نشینان شمال غربی و غرب بیشتر است، متوسط جمعیت ۳۲۴-۲۰۰ نفر در هکتار، وضعیت ناپهنجارسکونت در این محدوده را نشان می‌دهد.

عوامل گسترش روزافزون مواد مخدر در مناطق حاشیه‌نشین نسبت به مناطق مرکزی شهر اردبیل

در مطالعات آسیب‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم قرار می‌گیرند تا زمینه ارتکاب جرم فراهم شود. هریک از این عوامل به مطالعات گسترده‌ای نیازمند است و در نظر گرفتن یک عامل برای آن، بیراهه رفتن و خطاست. عوامل اجتماعی ارتکاب جرم دربردارنده مجموعه‌ای از عوامل است، با این حال بهتر است هریک جداگانه به چالش کشیده شود.

• دسترسی به شرایط جغرافیای آسیب‌ها

در حاشیه شهرها شرایط اغوای نفس به مراتب بیشتر از کلانشهرهاست. همچنین مجرمان در این مناطق بهتر و آسان‌تر می‌توانند خود را مخفی کنند و از کنترل اجتماعی رهایی یابند. تراکم جمعیت در این مناطق موجب می‌شود تعداد بزهکاران نیز به همان نسبت افزایش یابد، به‌ویژه هنگامی که افراد بی‌هویت نیز در این مناطق زیاد باشند. گذشته از آنچه گفته شد، این محله‌ها جزء کانون‌های جرم‌خیز و مسئله‌دار است که در دل خود انواع بزهکاران را پرورش می‌دهد. در چنین مناطقی نوجوانانی که در کانون خانواده نیازهای عاطفی و مادی‌شان برآورده نشده است و به‌طور کامل در معرض

کنترل‌های غیر رسمی مثل خانواده یا مدرسه قرار نگرفته‌اند، تفریحی به جز کوچه و خیابان رفتن ندارند و جذب گروه‌های هم‌سن می‌شوند.

• توزیع آسان و احساس امنیتی توزیع کنندگان مواد مخدر در این محله

خرید و فروش مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان‌پذیر است که از احساس امنیت توزیع‌کنندگان این مواد در آن مناطق ناشی می‌شود. به لحاظ فقر علمی و درصد بالای بیکاری و نیز، رهایی‌یافتن از برخی فشارهای روحی و... میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر است. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان، شغل و حرفه خود را به خرید و فروش مواد مخدر محدود کرده‌اند و حتی مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه امرار معاش می‌کنند. سهولت دسترسی به مواد در برخی محلات، موجب گرایش به جرایم خاص، از جمله قاچاق و مصرف مواد مخدر می‌شود.

• بیکاری و فقر اقتصادی

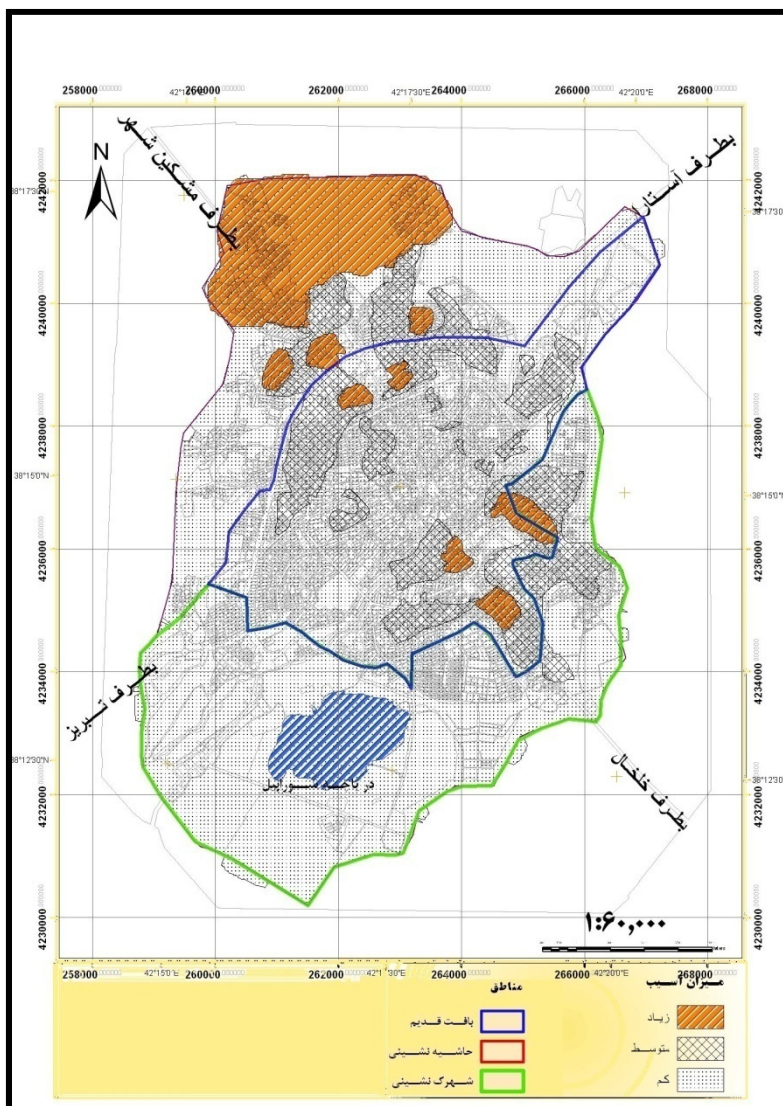
فقر و ناتوانی مالی برای جذب حاشیه‌نشینان به بازار رسمی اقتصاد شهر، آنان را به بازار فعالیت‌های غیر رسمی سوق می‌دهد؛ بازاری که امور ممنوع و بزهکارانه‌ای چون فروش مواد مخدر، دزدی، فحشا و... مشاغل آن را شکل می‌دهد. تعداد اندک مراکز تأمین خدمات امنیتی و انضباطی، مانند پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها در این مناطق، آنها را به مراکز امن و خالی از نظارت برای افراد و گروه‌هایی تبدیل کرده است که به شیوه‌های بزهکارانه ارتزاق می‌کنند. مشکلات مالی از جمله عوامل مهم تمایل افراد به باتلاق مواد مخدر است.

• کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی

یکی از نیازهای اساسی جوانان، تفریح و پرکردن اوقات فراغت به شیوه صحیح است که با توجه به شرایط جسمانی، انرژی بالا و زمان آزاد نسبتاً زیاد این گروه سنی، اگر برای اوقات فراغت برنامه درستی وجود نداشته باشد و سرگرمی‌ها و فعالیت‌های ناسالم جای آن را برای فرد پر کند و درباره گروه‌هایی که افراد در آن شرکت می‌جویند، مطالعه‌ای صورت نگیرد، در حقیقت زمینه انحراف فرد فراهم می‌آید. بنابراین، نداشتن برنامه‌ای برای اوقات فراغت، یا فرد را به تنهایی و سردرگمی کامل و بدون هیچ‌گونه نگرش مثبتی می‌کشاند یا زمینه‌های روابط ناسالم را برای او فراهم می‌آورد. متأسفانه، برخی جوانان به دلیل استفاده نادرست از آزادی اجتماعی و اوقات فراغت و نیز هدایت‌نشدن آنها، به دنبال خوشی‌های زودگذر رفته و سرمایه کشور را به رخوت و روزمرگی می‌کشاند. پرکردن اوقات فراغت در مراکز پرجمعیت فقیرنشین، حاشیه‌نشین و به طور کلی محلات جرم‌خیز، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا با توجه به تراکم جمعیت در خانواده، فضای کوچک خانه و فرهنگ حاکم بر این مکان‌ها، افراد ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را بیرون از خانه سپری کنند، لذا نظارت خانوادگی در این وضعیت کم‌رنگ می‌شود و فرد در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان ساخت اماکن ورزشی جدید و گسترش فضاهای ورزشی، فرهنگی، تفریحی موجود را راهکار عمده پیشگیری از گرایش به مواد مخدر تلقی کرد.

• فقر فرهنگی و کمبود سطح سواد

سواد یک مهارت پایه و جزء نخستین الزامات ورود به سیستم اجتماعی و چرخه فعالیت‌های اقتصادی است. هرچه میزان پیچیدگی جوامع بیشتر شود، بهره‌مندی از سواد اهمیت بیشتری می‌یابد. به این ترتیب می‌توان بی‌سوادی یا کم‌سوادی را جزء لاینفکی از جرایم و استعمال مواد مخدر دانست. مطالعات پیشین نیز از این گفته حمایت می‌کنند و بی‌سوادی را یکی از عوامل بروز جرایم از جمله اعتیاد می‌دانند.



شکل ۲. پراکندگی میزان مواد مخدر در مناطق مختلف شهر اردبیل بر اساس داده‌های میدانی

• فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی

توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه و تملک ثروت و قدرت در دست طبقه خاصی از جامعه و به تبع آن مقاومت در برابر این ساختار روابط اجتماعی و طبقاتی، سبب وقوع جرم می‌شود. به بیان بهتر، ارتکاب جرم در این مناطق یعنی اعتراض به جامعه نابرابر؛ یعنی زیر پا گذاشتن قوانینی که منافع اقلیت را در مقابل منافع اکثریت قرار داده است؛ فریادی است علیه

بی‌عدالتی اجتماعی و طبقاتی شدن جامعه‌ای که هر روز مادی‌گرایی و تجمل‌پرستی در آن گسترش می‌یابد. از آنجاکه اکثر مردمان حاشیه‌نشین جزء طبقه کارگر جامعه هستند، تعارض میان طبقه قدرت‌مند و تصمیم‌گیر و طبقه زیردست، امری بدیهی است و هریک برای حفظ موقعیت خود تلاش می‌کنند. این کشمکش گاه جرایمی مانند سرقت از کارخانه را به دنبال دارد؛ اگرچه گاهی هم در اعتراض به مقررات و برنامه‌های طبقه فرادست یا همان صاحبان تولید، دست به عمل مجرمانه می‌زنند.

تحلیل آماری مربوط به انواع آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین اردبیل

برای تحلیل آماری اعتیاد و مواد مخدر در مناطق حاشیه‌نشین و رسیدن به نتایج دقیق‌تر، علاوه بر جمع‌آوری داده‌های آماری از سازمان‌های مربوطه، از داده‌های پرسشنامه توزیع‌شده میان ساکنان محله میراشرف نیز استفاده شده است.

جدول ۱. انواع آسیب‌های اجتماعی در حاشیه‌نشینی میر اشرف به ترتیب اولویت

انواع آسیب‌های اجتماعی	درصد پاسخ‌دهندگان (خیلی زیاد)	درصد پاسخ‌دهندگان (خیلی کم)
اعتیاد	۹۱/۷	۸/۳
سرقت	۸۳/۴	۱۶/۶
اختلافات خانوادگی	۷۰/۸	۲۹/۲
طلاق	۶۸/۷	۳۱/۳
قتل	۶۸/۷	۳۱/۳
همسرآزاری	۶۰/۴	۳۹/۶
کودک‌آزاری	۲۷/۱	۷۲/۹
تکدی‌گری	۱۷/۱	۸۲/۹
خودکشی	۸/۴	۹۱/۶

طبق نتایج تحلیل آماری، اعتیاد با ۹۱/۷ درصد در رده اول آسیب‌های اجتماعی محله میراشرف قرار دارد. همچنین آمار تخمینی به‌دست‌آمده از شمار افراد مبتلا به اعتیاد در شهر اردبیل، رقم ۸۰ درصد افراد معتاد در مناطق حاشیه‌نشین، رقم شایان توجهی است.

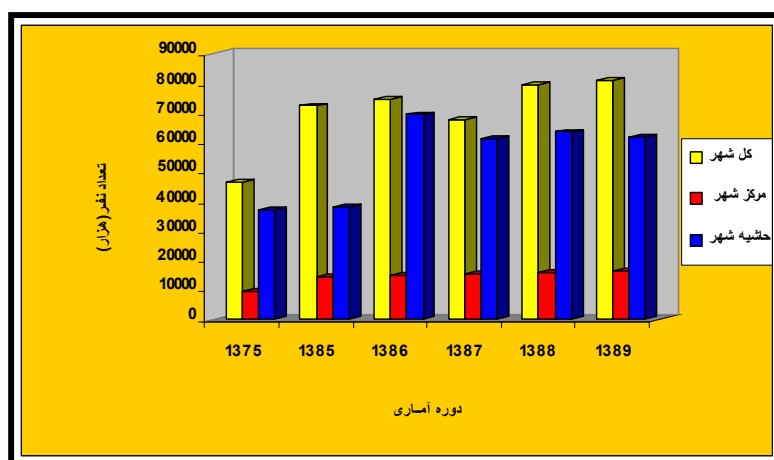
جدول ۲. میزان اعتیاد در شهر اردبیل طی دوره آماری ۱۳۸۹-۱۳۸۵ و تغییرات آن نسبت به سال ۱۳۷۲ بر اساس آمار رسمی

سال مناطق شهری	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	درصد وقوع	درصد تغییر (نسبت به ۱۳۷۲)
کل شهر	۴۶۳۴۵	۷۲۴۳۹	۷۴۶۳۲	۶۷۸۸۸	۷۹۴۱۲	۸۱۲۸۵	۱۰۰	۷۹
مرکز شهر	۹۲۶۴	۱۴۴۸۸	۱۱۴۹۵۶	۱۵۳۷۷	۱۵۸۸۵	۱۶۲۵۷	۲۰	۷۵
حاشیه شهر	۳۷۰۷۸	۳۷۹۵۲	۶۹۴۷۴	۶۱۵۱۲	۶۳۵۲۷	۶۲۰۲۸	۸۰	۶۷

منبع: اداره مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی استان اردبیل، ۱۳۹۰



یکی از عوامل مهم کشیده شدن فرد به باتلاق مواد مخدر، مشکلات مالی است که طی دو فرایند انجام می‌پذیرد: اول؛ از طریق شناسایی افراد فقیر و حمایت مالی از آنها در قبال تشویق به پخش مواد مخدر در این مناطق و دوم؛ کشاندن این افراد در گرداب مواد افیونی و غرق کردن آنها در این منجلاب اجتماعی. شاید در نظر اول وجود رابطه بین فقر و اعتیاد چندان منطقی به نظر نرسد؛ زیرا کسی که توانایی مالی ندارد، نمی‌تواند مصرف‌کننده باشد و مبلغی را در این زمینه هزینه کند، اما تجارت مواد مخدر در تمام رده‌ها، اعم از عمده‌فروشی و خرده‌فروشی کاملاً سودآور است. از آنجا که هدف عمده قاچاقچیان، اطمینان از شرکت این افراد در فعالیت قاچاق است، به پیروی از سیاست کلی خود آنان را معتاد می‌کنند. البته باید توجه داشت، چون این افراد متعلق به مناطق حاشیه‌نشین هستند و ذهنیت منفی نسبت به مواد مخدر ندارند، قاچاقچیان به راحتی به اهداف خود در این مناطق دست می‌یابند. روشن است که ابتدا فرد برای رفع نیاز مادی و امرار معاش به خرید و فروش مواد می‌پردازد و با گذشت زمان بر اثر ابتلا به اعتیاد، دلیل اول جای خود را به اعتیاد می‌دهد. ادامه این وضعیت آثار مخربی در پی دارد؛ زیرا علاوه بر اینکه خود فرد با وجود فقر، گرفتار اعتیاد می‌شود، فرزندان و اطرافیان او نیز کمابیش درگیر این مشکل خواهند شد؛ به همین دلیل رابطه مشخصی بین فقر و اعتیاد وجود دارد. البته باید یادآوری کرد، وجود رابطه به معنای علت و معلول نیست، بلکه فقط فقر عاملی است که زمینه گرایش به مواد مخدر را ایجاد می‌کند و سایر عوامل تعیین می‌کنند که فرد به سوی مخدر گرایش می‌یابد یا از آن اجتناب می‌کند.



شکل ۳. نمودار تغییرات میزان اعتیاد در شهر اردبیل طی دوره آماری ۱۳۸۹-۱۳۸۵

نتیجه‌گیری

براساس دیدگاه سیستمی به فضای جغرافیایی، هر چشم‌انداز جغرافیایی و هر محیط ساخته شده (از جمله شهر)، یک سیستم مکانی - فضایی است که از پیوند میان عوامل و عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در سطوح محلی، ناحیه‌ای و جهانی شکل گرفته است و توقف یا شکوفایی اقتصادی، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم شهرها به این عوامل بستگی دارد. شهر نیز یک کلیت سیستمی مکانی - فضایی، متشکل از اجزا و عناصر سیاسی اجتماعی، کالبدی و طبیعی است که در ارتباط با هم و تأثیرات متقابل، نقش عمده‌ای در کل سیستم برعهده دارد. در یکی از مطالعات شهری تأکید شده است که شهر را باید از ابعادی چون: عناصر، ساختار، کارکرد و هم‌پیوندی بررسی کرد.

بهترین روش برای بررسی یک سیستم، شناسایی نقاط مسئله‌خیز آن است تا با شناخت آن بتوان عوامل اصلی ناکارایی سیستم را از میان برداشت (درویشی، ۱۳۹۰: ۱۹۴).

از دیدگاه اکولوژی شهری، افزایش جرم با افزایش تراکم جمعیت در محلات شهری رابطه مستقیم دارد (درویشی، ۱۳۹۰: ۱۹۴)؛ این گفته به‌ویژه در محله‌های حاشیه شهر صدق می‌کند. مطالعات اکولوژی شهری این فرضیه را تأیید می‌کنند که در بعضی از نواحی شهری آسیب‌های اجتماعی بسیار شایع‌تر از مناطق دیگر است. همچنین تأثیرات محیط انسانی (اجتماعی) و شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مکان زیست انسان، بر بروز آسیب‌های اجتماعی به‌اثبات رسیده است؛ لذا آسیب‌های اجتماعی، از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مکان جغرافیایی تأثیر می‌پذیرد.

از دیدگاه مکتب اکولوژی شهری، اماکنی با تراکم جمعیت زیاد که در وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نامطلوبی قرار دارند، فضای مناسبی را برای بروز انواع آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کنند. این دیدگاه رابطه مستقیم میان افزایش جرم و افزایش تراکم جمعیت در محلات شهری، به‌ویژه در مناطق و محلات حاشیه شهر را تأیید می‌کند. لذا آسیب‌های اجتماعی متأثر از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مکان جغرافیایی است.

عواملی مانند نوع مسکن، وضع ظاهری و ارزش مسکن، از دسته عواملی هستند که در آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌ای شهرها مؤثرند. برای مثال، اگر مسکن از حداقل استانداردهای پذیرفته‌شده برخوردار نباشد و در مقایسه با تعداد ساکنان مساحت کوچکتری داشته باشد، چه بسا آثار سوء و شومی را برای ساکنان آن مکان در پی داشته باشد. مواردی که بیان شد، به نحوی در بروز آسیب‌های اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل نقش داشته‌اند. لذا بر اساس مدل تئوریک مکتب شیکاگو که به افزایش جغرافیایی جرائم شهری از مرکز شهر به نواحی حاشیه‌ای معتقد است؛ این نظریه با این پژوهش مطابقت می‌کند.

بدین ترتیب با گسترش فیزیکی شهرها و تبدیل شدن آنها به مراکز ناهمگن جمعیتی اجتماعی و فرهنگی، میزان آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه در نواحی حاشیه‌ای شهرها افزایش می‌یابد. محیط اجتماعی و مسکونی نامناسب، ساختارهای نامناسب شغلی، ناکامی اجتماعی و فقر اقتصادی، زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی شهری را فراهم می‌آورند.

شهر اردبیل نیز با معضل حاشیه‌نشینی ارتباط گسترده‌ای دارد و به‌سبب آن، جغرافیای فیزیکی شهر دستخوش ناهمگونی و ناهنجاری‌های شدید شده است؛ این وضعیت خرید و فروش و استعمال مواد مخدر را در این مناطق افزایش داده است. به جرئت می‌توان گفت که بین گسترش حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. از آنجا که خصوصیت ذهنی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین به‌طور کامل از محیط زندگی آنها تأثیر می‌پذیرد و خصوصیات اخلاقی و ارزش‌های فرد حاشیه‌نشین تغییر می‌یابد، به‌آسانی جذب مواد مخدر و اعتیاد می‌شوند.

عامل گسترش گرایش افراد به مواد مخدر در نواحی حاشیه‌نشین اردبیل نسبت به نواحی مرکز شهر را می‌توان در موارد زیر تحلیل کرد:

۱. محله‌های حاشیه‌نشین شهر اردبیل از امکانات و خدمات ورزشی محروم‌اند. سرانه موجود ورزشی ۰/۶۱ متر مربع است و در حال حاضر با کمبود ۵۶/۶ هکتار فضای ورزشی روبه‌روست که در گرایش به اعتیاد افراد، به‌ویژه نسل جوان تأثیر بسزایی دارد.

۲. کمبود فضای مسکونی و کوچک‌بودن مکان سکونت (۱۰۰-۶۰ متر مربع) از یک‌سو و جمعیت بیشتر از ۴ نفر در هر خانوار از سوی دیگر، موجب شده است افراد فضای خصوصی درخانه نداشته باشند و بیشتر اوقات آنان، به‌ویژه کودکان، در خیابان سپری شود. این امر به شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی، از جمله اعتیاد در محله‌های حاشیه‌نشین دامن می‌زند.

۳. براساس بررسی‌های انجام گرفته و داده‌های میدانی، حدود ۴۱/۷ درصد از سرپرست خانوارها، شغل فصلی دارند و بیش از ۳۱/۳ درصد آنها بیکارند. بنابراین به‌دلیل برخوردار نبودن از فرصت‌های شغلی مناسب و امنیت شغلی، نداشتن مهارت و تخصص کافی و نداشتن سابقه کار برای ساکنان مناطق حاشیه‌نشین به‌منظور جذب در نظام اقتصادی شهر، فرد حاشیه‌نشین به توزیع مواد مخدر و اعتیاد گرایش می‌یابد.

۴. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد، مکان فیزیکی مناطق حاشیه‌نشین و فقر فرهنگی حاکم بر آن از یک‌سو و وضعیت اجتماعی - اقتصادی پایین، وضعیت نامطلوب مالی، سطح درآمد و عامل بیکاری از سوی دیگر، موجب گرایش افراد به استعمال مواد مخدر و خرید و فروش آن در محله‌های حاشیه‌نشین شده است. از آنجاکه حاشیه‌نشینی دربردارنده فرصت‌ها و موقعیت‌های فراوان ارتکاب جرم (مانند، وضعیت بهداشتی نامناسب، مسکن نامناسب، کمبود امکانات تفریحی و رفاهی، جمعیت متراکم، بیکاری و عدم نظارت و کنترل امنیتی) است، وجود افراد بیکار، سطح پایین سواد و وضعیت جغرافیایی نامناسب، زمینه انواع آسیب‌های اجتماعی در شهرها را فراهم می‌کند. در یک جمع‌بندی کلی، عوامل مؤثر گسترش مواد مخدر در مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل عبارتند از: پایین‌بودن سطح سواد، نداشتن مهارت‌های شغلی، وضعیت اقتصادی ناهنجار، بیکاری، فقر فرهنگی.

منابع

1. Ardabil Expansion Society Studies, 1999, **Budget and Planning Organization**. (in Persian)
2. Bhagat., R.B., 2001, **Urbanization in India**, General Population Conference, Salvador-Brazil, August 18-24.
3. Costello, M.A., 1987, **Slums and Squatter Areas as Entrepots for Rural-Urban Migrants in a Less Developed Society**, Social Forces, Vol. 66, No. 2, PP. 427-445.
4. Darvishi, Y., 2014, **Rapid Urban Growth, Physical and Social Pathology in Ardabil City**, Thesis for Doctorate, National Center for Higher Education, Payam-e-Noor University. (in Persian)
5. Hafeznia, M. R., 2003, **An Introduction to Human Science Research**, Samt, Tehran. (in Persian)
6. Hadizade, N., 2004, **Suburbanization and Its Organizing Approaches in the World**, Mashhad Municipality. (in Persian)
7. Martin, C., 2000, **Ethnolog D'un Bodonville de Lima, Le Petit Peuple De Tupac Amaru**, Harmattan, Paris.
8. Raulin, A., 2001, **Anthropology Urbaine**, Armand Colin, Parise.
9. Sheikhi, M., 2007, **Citizen Sociology and Urban Pathology**, Harir, Tehran. (in Persian)
10. Sheikhi, M. T., 2003, **Urban Sociology, Architecture and Urban Construction**, Samt, Tehran. (in Persian)
11. Shukouei, H., 1994, **Social Geography of Cities, Social Ecology of Cities**, 2nd Edition, Jihad Daneshgahi Publication Institute (Majd), Tehran. (in Persian)
12. Social Statistics of Ardabil Province, 2003, **Ardabil Governor-generalship**. (in Persian)

